

حادثه‌ها

شگردی جدید برای دزدی از منازل

● سارقی که با عنوان گدایی طعمه‌های خود را شناسایی می‌کرد، دستگیر شد. سرهنگ محمود پوراحمدی، فرمانده انتظامی شهرستان بافت گفت: این سارق که با شکایت برخی شهروندان شناسایی و دستگیر شد، در اعتراضات خود گفت به بهانه گدایی در منازل را می‌زد و از این طریق خانه‌های خالی را شناسایی می‌کرد. وی خاطرنشان کرد: این دزد بعد از چند بار مراجعه و اطمینان از نبود صاحبخانه، نقشه سرقت خود را اجرا می‌کرد. سرهنگ پوراحمدی تصریح کرد: این سارق با جلب دلسوزی برخی صاحبخانه‌ها نیز از غفلت آنها استفاده و اقدام به سرقت اموال بالارزش از خانه‌های آنها می‌کرد. وی یادآور شد: از مخفیگاه این سارق مقدار زیادی طلا، جواهر و لوازم خانگی سرقت‌شده، کشف شد.

انتشار آگهی فروش خانه روشی برای آزار همسایه

● رئیس پلیس فتای استان کرمانشاه از دستگیری فردی به جرم نشر آگهی دروغین فروش منزل همسایه خود و ایجاد مزاحمت برای وی، خبر داد. سرهنگ «علی شفیعی‌مهر» در تشریح این خبر گفت: با شکایت یکی از شهروندان مبنی بر اینکه شخصی شناساس برای سلب آسایش وی، اقدام به درج آگهی فروش منزلش در سایت با قیمت بسیار پایین کرده که این آگهی‌ها باعث تلفن‌های مکرر و ایجاد مزاحمت شده، پرونده تشکیل شد و بررسی موضوع در دستور کار کارشناسان پلیس قرار گرفت. این مقام انتظامی تصریح کرد: با توجه به اهمیت موضوع و امکان ایجاد مزاحمت‌های بیشتر، تحقیقات و بررسی‌های فنی از طریق فضای مجازی به سرعت کامل شد و با وجود پیچیدگی‌های سایبری موجود در پرونده، کارآگاهان پلیس فتا موفق شدند عامل ایجادکننده تبلیغات دروغین را شناسایی و به پلیس احضار کنند. رئیس پلیس فتای استان کرمانشاه با اشاره به اعتراف متهم به بره انتسابی و ارسال پرونده به مرجع قضائی خاطرنشان کرد: از شهروندان درخواست دارم به هیچ‌وجه دست به این‌گونه اقدامات نزنند، این کار شاید با هدف شوخی انجام گیرد، اما برای فرد مقابل ایجاد مزاحمت گسترده می‌کند و در صورت شکایت پیگرد قانونی دارد.

شرق: پسری که در نوجوانی مرتکب قتل شده بود هرچند از سوی دادگاه بدوی به قصاص محکوم نشد، اما دیوان عالی کشور رأی صادره از سوی دادگاه را نقض کرد و خواستار محاکمه متهم از نظر جنبه عمومی جرم شد.

به گزارش خبرنگار ما، تیر سال ۹۲ مأموران پلیس در جریان قتل جوانی قرار گرفتند که با ضربه چاقو از پا درآمده بود. آنها متوجه شدند این جوان کامران نام داشت و بر برادرش زندگی می‌کرد. او در یک قهوه‌خانه حین قلیان‌کشیدن با چند جوان درگیر و بعد از اینکه با ضربه چاقوی آنها مجروح شد به بیمارستان انتقال یافت، اما به دلیل شدت جراحات جانش را از دست داده بود.

وقتی تحقیقات در این‌باره آغاز شد مأموران از همه افراد درگیر در آن دعوای دسته جمعی بازجویی کردند و متوجه شدند ضارب، جوانی به نام محسن است که حین درگیری با وارداوردن ضربه‌ای با شیشه شکسته مرتکب این قتل شده است. یکی از کسانی که در این درگیری شرکت داشت، گفت: ما در در قهوه‌خانه نشسته بودیم و داشتیم قلیان می‌کشیدیم چند جوان هم برای آزار تولد دوستانمان آمده بودند، نمی‌دانسم به چه دلیل درگیری شد، فکر می‌کنم یکی از بچه‌ها گفت چرا آن‌قدر سروصدا می‌کنید، دعوا بالا گرفت و هر دو گروه همدیگر را می‌زدند.

زنی که برای دریافت مجوز طلاق از همسرش، وی را به کمپ ترک اعتیاد روانه کرده بود، توسط بازپرس جنایی به معاونت در آذربایلی متهم شد. قاضی محسن مدیرروستا، بازپرس جنایی، برای زنی که برای اخذ مجوز طلاق، همسر خود را به کمپ ترک اعتیاد تحویل داده بود، به اتهام معاونت در آدم‌ربایی قرار وثیقه یکمیلیاردی صادر کرد. مرد شاکای در مقابل بازپرس گفت: ششمین روز خرداد بود که پس از اضافه‌کاری و گذراندن شیفت شب، به منزل آمدم تا اینکه ساعت ۱۰ صبح یک طرف خانه به صدا درآمد و به بالکن رفتم تا ببینم چه کسی پشت در است، اما همسرم در بالکن را روی من بست. مرد در توضیح این ماجرا گفت: پس از آنکه در بالکن روی من بسته شد سه مرد داخل منزل شدند و دست‌و‌پای مرا بستند و همراه با نفر چهارم که در خودرو بود، مرا به کمپ ترک اعتیاد بردند.

وی افزود: داخل کمپ از من تستی گرفته شد و پزشک اعلام کرد نیازی به نگهداری من در کمپ اعتیاد نیست اما مرا ۱۳ روز در آنجا

یک‌دفعه محسن تکه‌ای از قلیانی را که شکسته بود برداشت و به سمت کامران رفت و ضربه‌ای به پایش زد. من برای اینکه بتوانم کمکی بکنم با دوستان کامران، او را به درمانگاهی همان نزدیکی بردیم، حالش خیلی بد نبود، ضربه به پایش برخورد کرده بود، اما دکترها گفتند نمی‌توان در درمانگاه برای او کاری کرد، کامران را به بیمارستان بردیم که در آنجا جانش را از دست داد. با توجه به گفته‌های این مرد بود که پلیس محسن را بازداشت کرد، او در اعترافات اولیه خودش گفت: من با کامران درگیری نداشتم و اصلا او را نمی‌شناختم. آنها به ما حمله کردند و گفتند چرا آن‌قدر سروصدا می‌کنید. من نمی‌دانم چرا درگیری اتفاق افتاد. همه در آن میانه چاقو و شیشه دستشان بود و نمی‌دانم که من این ضربه را وارد کردم یا کسی دیگر، اما چون مشروب خورده بودم نمی‌توانستم خودم را کنترل کنم و یادم نمی‌آید چه اتفاقی افتاده است.

با توجه به گفته‌های شهود و سایر مدارک به‌دست‌آمده در دادرسی جنایی تهران، پرونده برای رسیدگی به شعبه ۲۴ وقت دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. وقت رسیدگی تعیین شد و متهم پای میز محاکمه رفت. بعد از اینکه نماینده دادستان کیفرخواست صادره از دادسرا را خواند و خواستار

حوادث

متهم در دادگاه مدعی شد

یادم نمی‌آید مرتکب قتل شده باشم

صدور رأی قانونی در این پرونده شد، برادر مقتول که تنها ولی‌دم او نیز بود، درخواست قصاص کرد. او گفت: من و کامران پدر و مادرمان را در فاصله بسیار کوتاهی از دست دادیم. بعد از فوت مادرمان پدرمان در چهلمین روز درگذشت از فوت کرد و عزادار شدیم. ما فقط دو برادر بودیم و همدیگر را داشتیم، من هیچ‌کس را در زندگی‌ام ندارم. کامران کار می‌کرد و خرجی زندگی من را هم می‌داد. پول مهم نیست، او همه‌کس من بود. هنوز سال پدر و مادرم نشده بود که محسن برادرم را هم از من گرفت، او باید تاوان کاری که کرده را پس بدهد. اگر او نوجوان است، من هم نوجوان هستم. ما یک سال فاصله سنی داریم. او باید تاوان کارش را بدهد و من به کمتر از قصاص رضایت نمی‌دهم.

سپس نوبت به متهم رسید. او اتهام قتل را قبول نکرد و مدعی‌شد هیچ چیز نمی‌داند. او گفت: در روز حادثه درگیری شدید بود. من یادم نمی‌آید کامران را زده باشم. شاید کسی دیگری زده باشد؛ چون مشروب خورده بودم، هیچ چیز را به یاد ندارم. اولین‌باری بود که مشروب می‌خوردم و اصلا کنترلی بر خودم نداشتم.

وقتی نوبت به وکیل‌مدافع متهم رسید، او با اشاره به اینکه موکلش ۱۵ ساله و نوجوان است و در حالی مرتکب قتل شده که مشروب هم خورده بوده،

خواستار برائت از قتل عمدی برای موکلش شد، هرچند هیات قضات، متهم را در قتل عمدی مجرم شناختند؛ چراکه ضربه شیشه به سفیدران مقتول برخورد کرده بود و با توجه به منطقه جراحت مقتول، مشخص بود که او قصد قتل نداشته، اما او را به پرداخت دیه، ۱۰ سال حبس و ۸۰ ضربه شلاق محکوم کردند.

رأی صادره با اعتراض برادر مقتول مواجه شد. او خواهان اجرای حکم قصاص بود، باین‌حال رأی صادره نقض شد؛ چراکه دیوان‌عالی کشور اعلام کرد متهم باید براساس ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی که درباره نوجوانان زیر ۱۸ سال است که مرتکب جرائم حدود می‌شوند، محاکمه شود. روز گذشته جلسه رسیدگی به این پرونده در شعبه دوم دادگاه شماره یک کیفری استان تهران برگزار شد. بعد از اینکه برادر متهم یک بار دیگر درخواست قصاص را مطرح کرد، محسن متهم پرونده در جایگاه حاضر شد. او گفت من یادم نمی‌آید مرتکب قتل شده‌ام یا نه؛ چون مشروب خورده بودم و کارهایی که می‌کردم دست خودم نبود. متهم که با وثیقه آزاد شده بود، گفت: من از برادر مقتول معذرت می‌خواهم و درخواست دارم دادگاه کمکم کند. با پایان جلسه رسیدگی، هیات قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

روز حادثه چندبار از وی خواستم شکایت خود را پس بگیرد، اما پس از خارج‌شدن از کمپ ترک اعتیاد متوجه شدم ایشان برای دریافت مجوز طلاق، گواهی دروغین از کمپ، مبنی بر اعتیاد من گرفته است.

همسر این مرد نیز در جلسه بازپرسی گفت: نگاه‌داشتن او در کمپ ربتی به من ندارد، چراکه من وی را به‌عنوان معتاد به کمپ معرفی کردم و زمانی که نتیجه مثبت تست اعتیاد را به من نشان دادند، همان شب پول را ریختم. وی ادامه داد: معرفی وی به کمپ ترک اعتیاد با هماهنگی بچه‌هایم انجام شده و بچه‌هایم می‌توانند شهادت دهند که پدرشان معتاد است. همسر این مرد خاطرنشان کرد: وی تریاک می‌کشید و من به مصرف شیشه هم مشکوک می‌شدم، چراکه علائمی مانند شب‌بیداری‌های طولانی‌مدت و بازکردن پنجره‌ها در فصل زمستان را از او می‌دیدم.

قاضی مدیرروستا در پایان این جلسه بازپرسی قرار وثیقه یک‌میلیارد ریالی را به اتهام معاونت در آدم‌ربایی برای هسر مرد صادر کرد.



نگهداری کردند و در تمام این مدت پدر و مادرم در جست‌وجوی من بودند تا اینکه توانستم با پرداخت وجه از داخل کمپ با خانواده‌ام تماس بگیرم. این مرد ادامه داد: همسرم قبل از این موضوع نیز دو بار از من برای طلاق شکایت کرده و بنای ناسازگاری گذاشته بود که من در

من یاد گرفتم خود مشاور شوم

و این چیزی است که استاد حسین احمدی به شما می‌آموزد

مقاله‌ای از لیلا بیگ محمدی دانشجوی داروسازی شهید بهشتی کنکور ۹۳



علاقه‌تان کار سختی نبوده و با کمی تلاش و برنامه‌ریزی درست (همان چیزی که باعث شد من موفق بشوم) حتماً موفق می‌شوید.

بالاخره نتایج آمد

رتبه‌ام ۱۱۰۰ منطقه ۳ و ۶۵۸۹ کشوری شد. فکر کردم همه چیز خراب شده است. اما از آنجا که همیشه در ناامیدی بسی امید است،

برای انتخاب رشته به دفتر استاد احمدی رفتم (همان چیزی که باعث شد من موفق بشوم) حتماً قبول می‌شدم. همه اطرافیان می‌گفتند با این رتبه قبول نمی‌شوی، اما روز اعلام نتایج در اوج ناباوری وقتی نتایج کنکور را از طریق سایت سازمان سنجش دیدم به لطف خداوند داروسازی شهید بهشتی قبول شده بودم و همان‌جا خدا را شکر کردم. در

انتها از تمام اساتیدم مخصوصاً استاد احمدی و مهندس امیر مسعودی و مشاور خوبم آقای سلام تشکر می‌کنم. بچه‌ها، من در ابتدا موفق نبودم شاید به خاطر این بود که منابع آموزشی خوبی نداشتم و هر وقت برنامه‌ریزی می‌کردم اجرا نمی‌کردم. بنابراین، هر روز ناامیدتر می‌شدم و فکر می‌کردم به آن چیزی که می‌خواهم نمی‌رسم، ولی دی‌وی‌دی‌های استاد احمدی، درس خواندن مرا متحول کرد. من یاد گرفتم «خود مشاور» شوم و این چیزی است که استاد حسین احمدی به شما

می‌آموزد، در مورد DVD باید بگویم در درس ادبیات، تدریس استاد احمدی و فیزیک مهندس مسعودی مافوق حرفه‌ای بودند و مرا به اوج رساندند. باید بگویم موفقیت در کنکور به پول خرج کردن نیست همان‌طور که گفتم استاد احمدی به صورت رایگان برای من انتخاب رشته کرد و با یک انتخاب رشته ای‌فسانه‌ای بنده را به داروسازی شهید بهشتی رسانید. با آرزوی موفقیت همگی شما عزیزان.

ارتباط مستقیم: ۰۶۶۴۰۹۰۹۰=۰۲۱

سامانه پیام کوتاه: ۰۹۱۲۱۰۰۹۶۵۶. ارتباط با استاد احمدی: ۰۹۱۲۱۹۶۵۷۰۲

استاد حسین احمدی



اولین و تنها مشاور و برنامه ریز کنکور از ایران / دارای مقالات برگزیده در کنفرانس‌های بین‌المللی آموزشی جهان: والنسیای اسپانیا ۲۰۰۹ / inted / رم ایتالیا، بانکوک تایلند و ... / رتبه‌ی برتر مهندسی دانشگاه تهران / تقدیر شده در بیش از ۲۰ منطقه آموزش پرورش سراسر کشور و دانشگاه / رتبه ۱ کارشناسی ارشد مترجمی عربی دانشگاه سراسری تهران / مؤلف جزوات، کتاب‌ها و لوح‌های فشرده آموزشی و برنامه‌ریزی رتبه‌های برتر کنکور از سال ۱۳۷۲ تا به امروز / بنیانگذار برنامه‌های رادیو و تلویزیونی «**کنکور آسان است**» و «**درس خواندن آسان است**» و «**طعم مطالعه**» و **مدیر مسئول گیلنا و رمز زندگی**

از شهری دور

من اگر تقدیر شده‌ام، دوباره تغییر می‌کنم؛ تغییری از جنس رویا. آری من خواستم که رویاهام به حقیقت بپیوندند و این اتفاق افتاد. استاد احمدی عزیز زندگی دوباره به من بخشید. آن ناجی که هرگز گرمی نفس‌های‌شان را که از جنس امید بود و فراموش نخواهم کرد. می‌خواهم اینجا حرف دلم را بزنم. شاید تجربه‌های من شما را در پیدا کردن مسیر زندگی‌تان کمک کند. من هزیر امیری، پسری از شهری دور از تهران، از شهر بوکان؛ شهری که نه خبر از کلاس‌های خصوصی است نه خبر از کلان‌هایه‌های آن‌چنانی، می‌خواستم شروع کنم به درس خواندن برای کنکور اما چطور، من که به علت یک‌سری مشکلات نمی‌توانستم معلم خصوصی بگیرم، من مانده بودم و محجم‌ای از فشارهای روحی، من و

ارتباط مستقیم با استاد حسین احمدی

و پیامک

۰۹۱۲۱۹۶۵۷۰۲

۰۹۱۲۱۰۰۹۶۵۶